



University of Tehran press

Research in Contemporary World Literature

http://jor.ut.ac.ir, Email: pajuhesh@ut.ac.ir

p-ISSN : 2588-4131 e-ISSN: 2588 -7092

Exploring Natsume Soseki's Critical Perspective on Japan's Modernization: A Study of 'The Civilization of Modern-day Japan' and the Novel 'Kokoro' Seyed Ayat Hosseini¹ 0000-0003-0280-6342 Hosna Salimi² 0009-0004-8085-4088

1. Department of East Asian Languages and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: ayathosseini@ut.ac.ir

2. Department of South-East Asia & Oceanaries Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: hsalimi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 20 January 2024

Received in revised form: 05 April 2024

Accepted: 13 April 2024

Published online: Autumn 2024

Keywords:

Japan, Natsume Soseki, Modernization, Civilization, Tradition, Kokoro.

ABSTRACT

This article delves into the critical perspective of the Japanese writer and intellectual, Natsume Sōseki, on the modernization of Japanese society in the late 19th and early 20th centuries. Focused on two key works, "The Civilization of Modern-day Japan" and the novel "Kokoro," this analysis aims to provide a comprehensive understanding of Sōseki's views. "The Civilization of Modern-day Japan" offers theoretical discussions on modernization without concrete examples, while "Kokoro" portrays the consequences of modernization on Japanese lives through objective and story-driven events. Together, these works present Sōseki's nuanced reflections on the interplay between modernity and tradition. Sōseki's overall pessimism towards modernity emerges as he contends that it has not alleviated but intensified human suffering. Additionally, he characterizes Japan's modernity as an imported, borrowed, non-indigenous, and unnatural phenomenon. This rapid infusion of foreign modernity has reshaped societal structures, leading to materialism, alienation, pessimism, isolation, mistrust, selfishness, despair, and guilt within Japanese society. Sōseki's dual examination of modernity in both theoretical and practical terms provides a comprehensive critique of the societal transformations during his era, encapsulating a profound skepticism towards the impacts of modernization on the human experience. In essence, Sōseki's works serve as insightful reflections on the challenges posed by modernity, highlighting its unsettling consequences on the fabric of Japanese society during a transformative period in history.

Cite this article: Hosseini, Seyed Ayat & Salimi, Hosna. "Exploring Natsume Soseki's Critical Perspective on Japan's Modernization: A Study of 'The Civilization of Modern-day Japan' and the Novel 'Kokoro'" *Research in Contemporary World Literature*, 2024, 29 (2), 361-385. DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2024.371384.2495>.

© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.



[.org/10.22059/jor.2024.371384.2495](http://doi.org/10.22059/jor.2024.371384.2495).



بررسی نگاه انتقادی ناتسومه سوسه‌کی به فرایند مدرنیزاسیون ژاپن در رساله‌ی *تجدد ژاپن امروز* و *رمان کوکورو* سید آیت حسینی^۱ ✉ حسنا سلیمی^۲

۱. گروه زبان‌ها و ادبیات آسیای شرقی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ayathosseini@ut.ac.ir

۲. گروه مطالعات جنوب و شرق آسیا و اقیانوسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hsalimi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۳</p> <p>کلیدواژه‌ها: ژاپن، ناتسومه سوسه‌کی، مدرنیزاسیون، <i>تجدد</i>، سنت، <i>کوکورو</i>.</p>	<p>مقاله‌ی حاضر به بررسی دیدگاه انتقادآمیز ناتسومه سوسه‌کی نویسنده و متفکر ژاپنی به فرایند مدرن شدن جامعه ژاپن در زمان حیات او یعنی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌پردازد. برای بررسی نگاه این نویسنده، دو اثر وی انتخاب شدند که یکی (رساله‌ی <i>تجدد ژاپن/امروز</i>) به آثار غیرداستانی او و دیگری (رمان <i>کوکورو</i>) به آثار داستانی او تعلق دارند. دلیل این انتخاب آن بود که ناتسومه در اثر غیرداستانی‌اش نگاه خود را به مدرنیزاسیون به صورت کلی و در قالب مباحث نظری طبقه‌بندی و بیان می‌کند، اما از آوردن مثال‌های ملموس برای نظرات خود پرهیز می‌کند. از سوی دیگر در رمان <i>کوکورو</i> پیامدهای این مدرنیزاسیون را در زندگی مردم ژاپن به شکل عینی، ملموس و عملی در قالب وقایع داستان به تصویر می‌کشد. از همین رو این دو اثر در انعکاس افکار ناتسومه راجع به تقابل مدرنیته و سنت مانند مکمل عمل می‌کنند. بررسی این دو اثر نشان داد که ناتسومه اولاً به مدرنیته در معنای عام بدبین است و معتقد است مدرنیته نتوانسته ذره‌ای از آلام بشر را تسکین دهد و زندگی بشر حتی دشوارتر از پیش شده است. ثانیاً مدرنیته‌ی کشور ژاپن را امری وارداتی، عاریتی، غیروومی و غیرطبیعی می‌داند که این مدرنیته‌ی وارداتی و پرشتاب موجب تغییر قراردادهای اجتماعی نظیر روابط انسان‌ها با یکدیگر، آداب و رسوم ازدواج و نظام آموزش و پرورش شده و با دگرگون کردن ناگهانی شیوه‌ی زندگی سنتی، پیامدهایی نظیر مادی‌گرایی، ازخودبیگانگی، بدبینی، انزوا، بی‌اعتمادی، خودخواهی، ناامیدی و احساس گناه برای مردم جامعه به بار آورده است.</p>

استناد: حسینی، سید آیت و سلیمی، حسنا. "بررسی نگاه انتقادی ناتسومه سوسه‌کی به فرایند مدرنیزاسیون ژاپن در رساله‌ی «تجدد ژاپن امروز» و رمان «کوکورو»". *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۱۴۰۳، ۲۹ (۲)، ۳۸۵-۳۶۱.



DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2024.371384.2495>.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱- مقدمه

در مقاله‌ی حاضر به بررسی و تحلیل نگاه ناتسومه سوسه‌کی^۱ به فرایند مدرنیزاسیون در جامعه ژاپنی می‌پردازیم. ناتسومه سوسه‌کی یکی از مشهورترین نویسندگان و متفکران سال‌های نخستین قرن بیستم ژاپن است و تقابل بین سنت و مدرنیته یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های او و یکی از مهم‌ترین و پرتکرارترین مضامین آثار او به شمار می‌رود.

مقصود از مدرنیزاسیون در تاریخ ژاپن گذر از فتودالیسم به سرمایه‌داری و صنعتی شدن و ماشینی شدن جامعه است که در دوره موسوم به اصلاحات می‌جی^۲ (۱۸۶۸-۱۹۱۲) در این کشور آغاز شد. در این دوره همه‌ی پدیده‌ها با علوم جدید و فناوری‌های نو پیوند دارند. این فرایند چنان گسترده و پرشتاب بود که بسیاری از متفکران و روشنفکران وقت ژاپن احساس خطر کردند و درباره‌ی این تجدد پرشتاب و بی‌حساب هشدار دادند. این متفکران نگران از دست رفتن هویت ملی و فرهنگ ژاپن در مقابل فرهنگ غربی بودند و می‌کوشیدند جامعه را با آثار خود نسبت به عواقب فرایند غربی شدن فرهنگ آگاه سازند.

ناتسومه سوسه‌کی در زمره‌ی نویسندگانی است که به نقد مدرنیزاسیون ژاپن در این دوره می‌پردازد و پیامدهای آن را برای مردم روزگار خود به تصویر می‌کشد. ناتسومه هم به مدرنیزاسیون در معنای عام نقدهایی دارد و هم به‌طور خاص فرایند مدرنیزاسیون در کشور ژاپن را زیر سوال می‌برد. در مقاله‌ی حاضر برای بررسی دقیق‌تر نگاه ناتسومه سوسه‌کی به فرایند مدرنیزاسیون در ژاپن دو اثر وی انتخاب شد؛ *رمان کوکورو (دل)* که یکی از مهم‌ترین و مشهورترین آثار داستانی اوست و رساله‌ی *تجدد ژاپن امروز* که متن یکی از سخنرانی‌های او درباره‌ی پدیده‌ی مدرنیزاسیون ژاپن است.

برای آشنایی با مدرنیزاسیون در ژاپن لازم است اشاره کوتاهی به دوره پیشامدرن این کشور کنیم. در قرن هفدهم خاندان توکوگاوا^۳ که بر کشور حکم می‌راند، از جانب کشورهای استعمارگر اروپایی، به‌ویژه اسپانیا و پرتغال احساس خطر کرد و مقرر نمود که درهای کشور به روی جهان خارج بسته شوند. این رویکرد که با نام سیاست «کشور بسته»^۴ مشهور شد به موجب چند فرمان رسمی از سال ۱۶۳۳ آغاز شد و ۲۲۰ سال به طول انجامید. در این مدت، ژاپن در انزوایی خودخواسته فرو رفت و داد

^۱ 夏目漱石 (Natsume Sōseki)

^۲ 明治 (Meiji)

^۳ 徳川 (Tokugawa)

^۴ 鎖国 (sakoku)

و ستد با کشورهای خارجی فقط در چند بندر به صورت محدود و زیر نظر حکومت انجام می‌گرفت. حکومت توکوگاوا علاوه بر بستن راه ورود استعمار و اندیشه‌های بیگانه، تجارت خارجی و عواید آن را نیز انحصاراً در دستان خود گرفت.

در سال ۱۸۵۴ اما ناخدا متیو پری^۱ از فرماندهان نیروی دریایی ایالات متحده با هشت کشتی جنگی در سواحل ژاپن پهلو گرفت و حاکمان ژاپن را وادار ساخت، درهای کشور خود را به روی ممالک غربی بگشایند و به تجارت آزاد با جهان تن دهند. چهارده سال بعد، امپراطور می‌جی در ژاپن بر تخت نشست و عده‌ای از سیاستمداران روشنفکر آن زمان توانستند با کمک او ژاپن را که کشوری منزوی بود و به دست اربابان فئودال و سرداران سامورای اداره می‌شد، ظرف مدتی کمتر از نیم قرن به یکی از قدرت‌های صنعتی، سیاسی و نظامی برتر جهان بدل سازند. در دوران اصلاحات می‌جی قدرت واقعی کشور به امپراطور بازگردانده شد، طبقه‌ی سامورای به کلی منحل شد، تمرکزگرایی سیاسی در کشور محقق شد، با استدلال ایستادگی در مقابل دول استعمارگر، ارتش مدرن قدرتمندی سازماندهی شد. محصلان بسیاری برای تحصیل به اروپا اعزام شدند، نهضت ترجمه شکل گرفت و آثار اروپایی فراوانی در حوزه‌های علم و حکمت و ادبیات به ژاپنی ترجمه شد، صنایع مختلف با الگوبرداری از غرب پا گرفتند و در مدت کوتاهی پیشرفت بسیار کردند و چهره ژاپن در مدتی کوتاه کاملاً دگرگون شد. از آنجا که مدرنیزاسیون در اثر آشنایی با غرب و الگوگیری از آن رخ داد، نام دیگر مدرنیزاسیون در ژاپن «غربی شدن»^۲ است. روند غربی شدن در جامعه ژاپن در سه دهه پایانی قرن نوزدهم آنچنان سریع و شتابان بود که بسیاری از مردم احساس می‌کردند توان کنار آمدن با پدیده‌های نوظهور بی‌شمار پیرامون خود را ندارند.

ناتسومه سوسه‌کی در نهم فوریه سال ۱۸۶۷ یعنی یک سال پیش از به قدرت رسیدن امپراطور می‌جی در شهر توکیو متولد شد. او در مدرسه شیفته‌ی ادبیات و به‌ویژه ادبیات کلاسیک چین شد و در پانزده سالگی تصمیم گرفت نویسنده شود. در سال ۱۸۸۴ وارد دانشگاه سلطنتی توکیو (دانشگاه توکیوی کنونی) شد و با اینکه همچنان دل در گرو ادبیات چینی داشت در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی ثبت نام کرد، چرا که زبان انگلیسی در آن دوران اهمیت بسیاری یافته بود. در آن دوران، دولت ژاپن جوانان نخبه را برای تحصیل به اروپا اعزام می‌کرد. برای ناتسومه نیز پس از فراغت از تحصیل، از سوی دولت

^۱ Matthew Calbraith Perry

^۲ 西洋化 (Seiyōka)

فرمان تحصیل در کشور انگلستان صادر شد و در سال ۱۹۰۰ با مقرری ناچیزی مأمور به تحصیل در لندن شد و در کالج دانشگاهی لندن^۱ در رشته ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد. حضور در مدرن‌ترین شهر آن روزهای جهان برای ناتسومه تجربه‌ی غریبی بود. روزهای ناتسومه در لندن در پانسیون‌هایی که اجاره کرده بود و در میان کتاب‌ها سپری شد و از تفریح و سرگرمی خبری نبود. او سال‌ها بعد در مقدمه‌ی «مباحثی در باب ادبیات» از دوران اقامتش در لندن به‌عنوان سخت‌ترین روزهای زندگی‌اش یاد می‌کند و می‌نویسد: «... من در میان جنتلمن‌های انگلیسی مثل سگی مفلوک در میان گله‌ای از گرگ‌ها بودم». فقر مالی و انزوای ناتسومه در لندن موجب شد تمام وقتش به مطالعه بگذرد و آثار بسیاری در حوزه‌ی ادبیات انگلیسی و حکمت و فلسفه و علوم غربی بخواند. ناتسومه پس از بازگشت به ژاپن داستان‌های بلندش را منتشر می‌کند و رفته‌رفته در ژاپن شناخته می‌شود. اما شهرت و محبوبیت واقعی با انتشار رمان *ما گربه هستیم*^۲ در سال ۱۹۰۵ نصیب او می‌شود. یک سال پس از آن داستان‌های *بوچان*^۳ و *بالش علفی*^۴ را می‌نویسد و جایگاهش به‌عنوان نویسنده‌ای تراز اول تثبیت می‌شود. در سال ۱۹۰۷ ناتسومه از تدریس کناره‌گیری می‌کند و به استخدام روزنامه آساهی درمی‌آید تا تمام وقت خود را به مطالعه و نوشتن اختصاص دهد. در سال‌های بعد از آن داستان *سان‌شی‌رو*^۵ و داستان *پس از آن*^۶ را به انتشار می‌رساند. رمان‌های مشهور *رهگذر*^۷ و *کوکورو*^۸ را نیز به ترتیب در سال‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۱۴ می‌نویسد. در سال ۱۹۱۵ یعنی یک سال پیش از درگذشتش داستان *علف‌های جاده*^۹ را بر اساس تجربیات خود پس از بازگشت از لندن می‌نویسد. ناتسومه سوسه‌کی در نهم دسامبر سال ۱۹۱۶ در چهل و نه سالگی در اثر زخم معده درگذشت. هدف این پژوهش روشن کردن نگاه ناتسومه سوسه‌کی به فرایند مدرنیزاسیون در ژاپن است. بنابراین، پرسش اصلی پژوهش در مقاله‌ی حاضر این است که ناتسومه سوسه‌کی که در کوران حوادث دوره می‌جی و در اوج دوره‌ی گذار از سنت به مدرنیته در ژاپن می‌زیسته و با فرهنگ و تمدن غربی نیز آشنایی داشته چه نگاهی به فرایند مدرنیزاسیون در ژاپن داشته است.

^۱ University College London (UCL)

^۲ 吾輩は猫である (Wagahai-wa neko dearu)

^۳ 坊ちゃん (Bocchan)

^۴ 草枕 (Kusamakura)

^۵ 三四郎 (Sanshirō)

^۶ それから (Sorekara)

^۷ 行人 (Kōjin)

^۸ ころ (kokoro)

^۹ 道草 (Michikusa)

در این مقاله، در کنار پاسخ دادن به این پرسش اصلی می‌کوشیم به این پرسش‌های فرعی نیز پاسخ دهیم: نخست، ناتسومه در جایگاه یک متفکر ژاپنی چه نظری دربارهٔ پدیده صنعتی شدن و مدرن شدن جوامع بشری داشته است؟ دوم، او درباره‌ی فرایند مدرن شدن کشور ژاپن چه نظری داشته است و آن را چگونه ارزیابی می‌کرده است؟ سوم، آیا از نظر او مدرنیزاسیون در ژاپن مشابه با فرایند مدرنیزاسیون در غرب بوده است؟ چهارم، از نظر ناتسومه مدرن شدن جامعه ژاپن چه عواقب یا پیامدهایی می‌توانست برای مردم این کشور داشته باشد و چه سرنوشتی می‌توانست برای مردم ژاپن رقم زند و پنجم، ناتسومه چه توصیه یا پیشنهادهایی به مردمی دارد که در دوران گذر از سنت به مدرنیته زندگی می‌کرده‌اند.

گذر از جامعه‌ای کاملاً سنتی به جامعه‌ای مدرن برای اغلب کشورهای دنیا در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی رخ داد. این تحول در بسیاری از جوامع فرایندی چالش‌برانگیز و پرمسئله بوده و موافقان و مخالفان فراوانی داشته است. بدیهی است که این چالش‌ها در آثار بسیاری از نویسندگان این دوران نیز انعکاس یافته است. از همین رو پژوهش‌های زیادی در سراسر دنیا برای نشان دادن تقابل بین سنت و مدرنیته در آثار ادبی انجام شده است.

در ایران نیز پژوهشگران بسیاری کوشیده‌اند به مسائلی نظیر تقابل سنت با مدرنیته، غربی شدن فرهنگ، هویت ملی و غیره در آثار ادبی ایرانی و خارجی بپردازند. به‌عنوان مثال، فاضلی و حسینی (۱۳۹۱) به بررسی تقابل سنت و مدرنیته در رمان همسایه‌ها اثر احمد محمود می‌پردازند و نشان می‌دهند که محمود در این اثر با این که نگاهی منفی به سنت دارد، از نقد عناصر مدرن نیز غافل نمی‌شود. قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) نیز در اثری مشابه چالش سنت و مدرنیته را در رمان *اهل عرقی* اثر منیرو روانی‌پور بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند که نویسنده در این اثر زوال سنت و برچیده شدن تدریجی آن در اثر حضور مدرنیته را به تصویر کشده است. جان‌نثاری لادانی (۱۳۹۲) چالش سنت و مدرنیته در جامعه‌ی ایرانی را در شش داستان کوتاه ایرانی بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که برخی از داستان‌های کوتاه ایرانی معاصر قادر به نمایاندن مدرنیته صرف و نادیده گرفتن سنت به‌طور کامل نیستند. عاملی رضایی (۱۳۹۰) نیز تقابل بین سنت و مدرنیته را در رمان‌های اجتماعی پس از انقلاب اسلامی را مطالعه می‌کند و نشان می‌دهد که در رمان‌های دهه شصت این تقابل به شکلی آشکار و بارز، به‌ویژه در اعتراض به صنعتی شدن، مظاهر مادی مدرنیته و از دست رفتن سنت‌ها دیده می‌شود، اما در دهه‌ی هفتاد و هشتاد، این تجربه درونی شده و به شکل تردید، سرگردانی و گاه سنت‌گرایی بروز یافته است. ظاهری عبدوند و همکاران (۱۳۹۸) نیز گذر از سنت به مدرنیته در خانواده‌ی ایرانی را در

رمان *مادر مری بی‌بی جان* اصغر الهی مطالعه کرده‌اند و مواضع هر یک از شخصیت‌های داستان را در قبال سنت و مدرنیته بررسی و مقایسه کرده‌اند. رنجبر (۱۳۹۱) به رسالت روشنفکر در نزاع میان سنت و تجدد می‌پردازد و برای این کار رمان *نفرین زمین* جلال آل‌احمد را برمی‌گزیند و استدلال می‌کند که آل‌احمد بیش از این که قصد تئوری‌پردازی و ارائه‌ی راه‌حل داشته باشد، به حکم التزام رسالت روشنفکری با وضع موجود مخالفت می‌کند.

برخی پژوهشگران نیز به مقایسه نگاه نویسندگان ایرانی و خارجی به چالش بین سنت و مدرنیته پرداخته‌اند. مثلاً علوی و حسینی (۱۳۹۸) به مقابله‌ی قهرمان انزواطلب با زندگی مدرن پرداخته‌اند و به این منظور رمان *نفرین زمین* آل‌احمد را با رمان *صورتجلسه* ژان ماری گوستاو لوکلزیو^۱ نویسنده نوبلیست فرانسوی مقایسه کرده‌اند و نشان داده‌اند که در هر دو اثر انزوا توانسته به امکانی برای مقاومت در مقابل جهان مدرن و ارزش‌های تحمیلی آن تبدیل شود. صادقی و زارع (۱۳۹۵) نیز ورود مدرنیته به جامعه را در رمان *نفرین زمین* آل‌احمد و *خوشه‌های خشم* جان اشتاین‌بک^۲ مقایسه کرده‌اند.

با این که هیچ‌یک از پژوهشگران ایرانی به بررسی تقابل بین سنت و تجدد در آثار نویسندگان ژاپنی نپرداخته‌اند، پژوهشگران بسیاری در ژاپن و کشورهای دیگر به این مسئله توجه داشته‌اند. ناتسومه سوسه‌کی یکی از مطرح‌ترین نویسندگان و متفکران ژاپنی در حوزه‌ی نقد تمدن غربی است و از این رو پژوهشگران زیادی به بررسی آرای او در این زمینه پرداخته‌اند. مسئله‌ی فردگرایی و خودمحوری و نگاه سنتی و مدرن به عشق از مضامین اصلی آثار ناتسومه است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اوکادا (۱۹۹۹) به فردگرایی غربی و تقابل آن با جامعه سنتی ژاپنی در آثار ناتسومه می‌پردازد. فولوپ (۲۰۱۰) تقابل جامعه‌ی سنتی ژاپن با مدرنیته و شوک فرهنگی ناشی از این تقابل را موضوع کار خود قرار می‌دهد و آثار این شوک فرهنگی را در آثار ناتسومه سوسه‌کی جستجو و معرفی می‌کند. توکوناگا (۲۰۰۶) کوشیده است فرایند مدرنیزاسیون ژاپنی را آن‌طور که ناتسومه در داستان‌هایش به تصویر کشیده است، توصیف نماید. فوکوچی (۱۹۹۳) آنچه را که «روح دوران می‌جی» می‌نامد معرفی و توصیف می‌کند و سپس به سراغ رمان *کوکورو* اثر ناتسومه می‌رود و تبلور این روح را در این داستان جستجو می‌کند. هیروسه (۱۹۹۸) عنصر *فراخود*^۳ را در رمان *کوکورو* بررسی و تمایل شخصیت سنسی به مردن را از این منظر مطالعه می‌کند.

^۱ Jean-Marie Gustave Le Clézio

^۲ John Steinbeck

^۳ Superego

برخی پژوهشگران نیز تقابل سنت و مدرنیته در آثار ناتسومه سوسه کی را با این تقابل در آثار نویسندگان کشورهای دیگر مقایسه کرده‌اند. مثلاً ناکایاما (۱۹۹۴) اندیشه‌های ناتسومه در این حوزه را با اندیشه‌های توماس کارلایل نویسنده بریتانیایی دوره ویکتوریا مقایسه می‌کند و شباهت‌های بسیاری بین اندیشه دو نویسنده می‌یابد. یا کیتا (۲۰۰۰) در پایان‌نامه خود بر روی نقش روشنفکران در گذر جامعه از سنت به مدرنیته تمرکز می‌کند و ناتسومه سوسه کی را با لو شون^۱ نویسنده و متفکر چینی مقایسه می‌کند و بین راه‌حلهایی که دو روشنفکر ژاپنی و چینی برای جامعه‌ی در حال گذار ارائه کرده‌اند؛ شباهت‌هایی می‌یابد.

برخی نقطه‌ی آغاز نقد تمدن مغرب‌زمین را *نامه‌های ایرانی* شارل دو مونتسکیو^۲ می‌دانند که در آن از زبان دو شخصیت ایرانی خیالی تمدن غرب و شرق را با زبانی طنزآمیز مقایسه می‌کند. در ژاپن پس از آغاز دوره می‌جی و شدت گرفتن ارتباط با غرب فرایند مدرنیزاسیون آغاز شد و باعث دگرگونی سبک زندگی سنتی مردم گشت. از آنجا که این دگرگونی سبک زندگی معمولاً با دست شستن از عناصر فرهنگی ژاپنی و برگرفتن عناصر فرهنگی غربی بود از این تجدد با نام «غربی شدن» نیز یاد می‌شود. در دوره‌ی می‌جی و دوره‌های بعد از آن نویسندگان و متفکران بسیاری به نقد این غربی شدن پرداختند و به تدریج نظریه‌ای شکل گرفت که با نام «نظریه نقد تمدن»^۳ مشهور شد.

بر اساس این نظریه، زندگی مدرن یکسره مفید و سازنده نبود و واجد عناصر مثبت و منفی بسیاری بود و نیاز به نقد و بازنگری داشت. نظریه‌پردازان نقد تمدن از یک سو مدرن شدن جوامع بشری پس از انقلاب صنعتی در اروپا و تغییر سبک زندگی بشر و ماشینی شدن زندگی را با نگاهی منفی مورد ارزیابی قرار می‌دادند و از سوی دیگر فرایند شتابان غربی شدن جامعه ژاپن را نقد می‌کردند. ناتسومه سوسه کی به عنوان یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان نقد تمدن در ژاپن شناخته می‌شود. ناتسومه تقلید را اساس مشکلات مردم ژاپن می‌داند، اما بین تقلید در علوم و تقلید در آداب و رسوم تفکیک قائل می‌شود. او در یک سخنرانی با عنوان «رفتار نویسنده خلاق» که در سال ۱۹۰۸ در توکیو ایراد کرده است تقلید از غرب در علم و دانش را جایز می‌داند، اما تقلید در فرهنگ و آداب و رسوم را زیان‌بار ارزیابی می‌کند.

^۱ 鲁迅 (Lu Xun)

^۲ Charles de Montesquieu

^۳ 文明批評 (bunmei hihyō)

به جز ناتسومه، نویسندگان و متفکران دیگری نظیر کافو ناگائی^۱، جون‌ئیچی‌رو تانیزاکی^۲، کاتسوئیچی‌رو کامه‌ئی^۳، تسونه‌آری فوکودا^۴ و بسیاری دیگر، هم در آثار داستانی خود و هم در مقالات و سخنرانی‌هایشان به نقد تمدن غربی و ارزیابی تأثیر آن بر نظام ارزش‌ها و شیوه زندگی مردم ژاپن پرداخته‌اند.

مدرنیزاسیون فرایند مدرن شدن جامعه است. واژه مدرن مأخوذ از واژه‌ی لاتین modernus و مشتق از ریشه‌ی modo به معنای «اواخر» و «گذشته نزدیک» است. درباره‌ی مدرنیته، تعاریف زیاد و متفاوتی از جانب اندیشمندان و جامعه‌شناسان ارائه شده است که قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) این تعاریف را به صورت زیر خلاصه کرده‌اند: مدرنیته یعنی نوکردن قاعده‌مندان و هدفمند. اصلی‌ترین پایه‌های مدرنیته عبارتند از خردباوری، فردمحوری و انسان‌گرایی. مدرنیته در اغلب موارد با خداباوری اندیشه سنتی تقابل دارد. صنعتی شدن، افزایش نیروی نظامی، دموکراسی، رشد رسانه‌های ارتباط جمعی و غیره نیز شاخص‌های دیگری هستند که برای مدرنیته برشمرده می‌شوند.

در کشور ژاپن به طور خاص، مدرنیته با برچیده شدن بساط طبقه‌ی سامورای، بازگشت قدرت به امپراتور، ارتباط گسترده با غرب و اندیشه‌ی غربی، صنعتی شدن جامعه، گسترش وسائل نقلیه و ابزارهای ارتباطی مدرن، نو شدن آموزش و پرورش، تشکیل کابینه و پارلمان، تدوین قانون اساسی، اتخاذ یک گویش به عنوان زبان معیار، اصلاح خط، یکی شدن نوشتار با گفتار و غیره همراه است. این تغییرات موجب تحول در سبک زندگی مردم شد و همه‌ی شئون زندگی از جمله معماری، لباس، غذا و بسیاری از آداب و رسوم مردم جامعه را تغییر داد.

سنت (tradition) مأخوذ از واژه لاتین traditionem به معنی «انتقال دادن» یا «به دیگری سپردن» است و مهم‌ترین ویژگی آن نیز انتقال از نسلی به نسلی دیگر است. سنت مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و آیین‌های کهن و ریشه‌دار ملت است که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. گیدنز برای سنت چهار ویژگی برمی‌شمارد که به شرح زیرند: ۱- شامل آیین و رسوم و مراسمی است که در حوزه‌ای معین تکرار و بازتکرار شود. ۲- جمعی است؛ یعنی آیین و رسومی است که به شکلی گروهی انجام می‌شود. ۳- در درون خود نگرهبانانی دارد که حافظ آن هستند؛ مثل کاهنان یا کشیشان.

^۱ 永井荷風 (nagai kafū)

^۲ 谷崎潤一郎 (tanizaki jun'ichirō)

^۳ 亀井勝一郎 (kamei katsuichirō)

^۴ 福田恒存 (fukuda tsuneari)

۴- با هویت افراد درگیر می‌شود؛ زیرا احساسات و هیجانات را رهبری می‌کند و تسلط بر رفتار انسانی دارد (قاسم‌زاده و همکاران ۱۸۴).

فرهنگ ژاپن در دوره‌ی باستان منبعث از آیین باستانی شینتو بود، اما از قرن‌های چهارم و پنجم میلادی با ورود دین بودا، آیین کنفسیوس و آیین دائو دچار تحول گسترده شد. از قرن یازدهم آیین ذن در ژاپن قدرت گرفت و بر فرهنگ ژاپن سایه افکند. اداره ژاپن از قرن دوازدهم تا قرن نوزدهم بر عهده‌ی نظامیان سامورای بود و همین باعث شد که فرهنگ سلسله‌مراتبی و مردسالار سامورایی بر ژاپن سایه افکند. بین قرن‌های هفدهم تا نوزدهم که ارتباط ژاپن با جهان خارج قطع بود خاندان توکوگاوا ژاپن را بر اساس اصول کنفسیوسی اداره می‌کردند و آموزش و تربیت نیز بر اساس اصول نوکنفسیوسی انجام می‌شد. وقتی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم جریان مدرنیزاسیون در ژاپن آغاز شد، این کشور دارای سنت‌هایی برگرفته از عوامل بالا بود.

روش کار در این مقاله به شکل توصیفی-تحلیلی است و برای نگارش آن از روش‌ها و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. منابع اصلی این پژوهش که به‌عنوان جامعه آماری استفاده شده‌اند دو کتاب از ناتسومه سوسه‌کی یعنی *تجدد ژاپن/امروز* با ترجمه سید آیت حسینی و *رمان کوکورو* با ترجمه قدرت‌الله ذاکری هستند که هر دو به‌صورت مستقیم از زبان ژاپنی به فارسی برگردانده شده‌اند. علت انتخاب این دو اثر آن بوده است که یکی به آثار غیرداستانی و دیگری به آثار داستانی نویسنده تعلق دارند و او در اثر اول به‌صورت مستقیم به تبیین نظری آرای خود درباره‌ی مدرنیزاسیون پرداخته است و در اثر دوم به‌صورت غیرمستقیم و در قالب داستان نگاه خود به فرایند مدرنیزاسیون و عواقب آن را نشان داده است. روش کار به‌صورت مطالعه و فیش‌برداری از این دو منبع و استخراج آرا و عقاید نویسنده درباره‌ی فرایند مدرنیزاسیون در ژاپن و طبقه‌بندی و تعمیم و جمع‌بندی و تحلیل این یافته‌ها و نتیجه‌گیری از آن‌ها بوده است.

۲- بحث و بررسی

در این بخش به دو اثر انتخاب شده ناتسومه سوسه‌کی یعنی رساله‌ی *تجدد ژاپن/امروز* و *رمان کوکورو* می‌پردازیم و نگاه انتقادی او را در این دو اثر به مدرنیزاسیون ژاپن بررسی می‌کنیم.

۱. نگاه ناتسومه به مدرنیته در «تجدد ژاپن امروز»

کتاب *تجدد ژاپن/امروز* متن سخنرانی ناتسومه سوسه‌کی نویسنده و متفکر ژاپنی درباره‌ی فرایند مدرنیزاسیون در ژاپن و ویژگی‌های آن است که در ماه اوت سال ۱۹۱۱ در شهر واکایاما ایراد شده

است. دو سال بعد، متن این سخنرانی در قالب رساله‌ای از سوی انتشارات جیتسوگیونو نیهون‌شا^۱ منتشر شد. این رساله یکی از شاخص‌ترین و مهم‌ترین آثار در حوزه‌ی نقد تمدن در ژاپن محسوب می‌شود. این اثر ناتسومه را می‌توان مانیفست روشنفکران منتقد تمدن غربی در اوایل قرن بیستم ژاپن به حساب آورد.

الف) نگاه رساله‌ی *تجدد ژاپن/امروز* به مدرنیته در معنای عام

ناتسومه در این اثر مدرنیته یا *تجدد* را «مسیر بروز و ظهور توان آدمی» تعریف می‌کند. سپس در توان آدمی، دو گرایش متفاوت را از هم باز می‌شناسد که عبارتند از «گرایش صرفه‌جویی در نیرو» و «گرایش اتلاف نیرو». گرایش اول می‌کوشد زندگی را برای انسان آسان‌تر سازد و ضرورت تلاش بیشتر و صرف انرژی بیشتر را برطرف سازد. اختراع قطار و کشتی بخار و تلگراف و تلفن و اتومبیل از جمله آثار این گرایش است. گرایش دوم اما می‌کوشد با صرف انرژی بیشتر برای انسان کسب لذت کند. ابداع انواع سرگرمی‌های لذت‌جویانه از آثار این گرایش در توان آدمی است. در اعتقاد ناتسومه، این دو گرایش در کنار یکدیگر پیش می‌روند و به هم درمی‌پیچند و منجر به تولد مدرنیته می‌شوند. از نظر ناتسومه، مدرنیته در بسیاری از موارد نتوانسته گرهی از مشکلات بشر باز کند. او به دستگاه بالابری اشاره می‌کند که در سال‌های نخست قرن بیستم در منطقه‌ی گردشگری واکانوئورا^۲ در ژاپن نصب شده بود و گردشگران با پرداخت مبلغی می‌توانستند سوار بر این بالابر به ارتفاع ۲۰۰ فوتی بروند و پس از دیدن مناظر اطراف به سطح زمین بازگردند. این بالابر، در حقیقت، هیچ کارکردی جز نشان دادن مناظر اطراف به مدت چند دقیقه به گردشگران ندارد. ناتسومه این وسیله را نمادی از مدرنیته می‌داند که به‌جای پرداختن به مسائل عمده و مفید، به دنبال کسب لذت کوتاه‌مدت برای بشر است. ناتسومه به‌جد معتقد است که مدرنیته نه سطح عمومی زندگی بشر را بالاتر برده و نه قادر به التیام دردهای بشر بوده است. او وضعیت بشر در دوران پیشامدرن را با دوران مدرن چنین مقایسه می‌کند: «درست مثل تفاوت بین محصل دبستان و دانشجوی دانشگاه که هر دو تحت فشار شدید رقابت درسی هستند. سطح تحصیلی آن دو متفاوت است، اما فشار همان فشار است» (سوسه‌کی ۷۳).

ناتسومه به مدرنیته بدبین است و آن را در فراهم کردن آسایش و آرامش برای بشر ناکام و شکست‌خورده ارزیابی می‌کند: «امروز زندگی بشر به هیچ روی راحت‌تر از گذشته نیست. حتی شاید برعکس، سخت‌تر از گذشته نیز شده باشد» (سوسه‌کی ۷۴). او شرایط امروز بشر را که حاصل زندگی

^۱ 実業之日本社 (Jitsugyō no Nihon Sha)

^۲ 和歌の浦 (Wakanoura)

مدرن است «بحرانی» ارزیابی می‌کند: «پیشرفت امروز ما که حاصل ابداعات مختلف و به‌کارگیری خرد بشر در طی سالیان دراز است از فشار روانی‌ای که بر ما وارد می‌آید نکاسته و دردها و رنج‌های بشر امروز احتمالاً با پنجاه سال پیش یا صد سال پیش ذره‌ای تفاوت نکرده است ... امروز میزان آلام بشر خارج از حد انتظار است و به حدی است که می‌توان برایش از صفت «بحرانی» استفاده کرد» (سوسه کی ۷۹).

ب) نگاه رساله‌ی *تجدد ژاپن/امروز* به مدرنیته در کشور ژاپن

ناتسومه فرایند مدرنیته در غرب را فرایندی خودجوش می‌داند که پس از طی دوره‌های مختلف، «مثل حرکت ابرها یا مثل جریان آب» به‌صورت طبیعی پیش رفته است. در مقابل، مدرنیته در ژاپن پدیده‌ای وارداتی، غیربومی و غیرطبیعی است که به‌یک‌باره و با شتاب بسیار در حال پیش رفتن است. او *تجدد غرب* را «درون‌انگیخته» و *تجدد ژاپن* را «بیرون‌انگیخته» می‌داند؛ یعنی *تجدد غربی* به‌صورتی طبیعی و با نیروهای درون جوامع غربی به وجود آمده است، در حالی که *تجدد ژاپن* از بیرون این کشور آمده و حاصل نیروی خارجی است. از دید ناتسومه پیشرفت‌های ژاپن تا قرن نوزدهم نیز به‌صورت طبیعی و درون‌انگیخته بوده است، اما *غرب‌گرایی* شدید و پرشتابی که از اواسط قرن نوزدهم در ژاپن آغاز شد سیری غیرطبیعی و عاریتی دارد.

ناتسومه اعتقاد دارد که ژاپنی‌ها طی قرن‌ها به شکلی درون‌انگیخته و آهسته‌آهسته پیشرفت کرده بودند و پیشرفت و پیچیدگی تمدن خود را به ده درجه رسانده بودند. اما ناگهان و ناغافل تمدنی که بیست یا سی درجه پیچیدگی داشت از آسمان ظاهر شد و دفعتاً بر ژاپن هجوم آورد. در نتیجه‌ی این فشار، ژاپنی‌ها ناگزیر به پیشرفتی غیرطبیعی تن دادند. «نتیجه آن شده است که *تجدد امروز ژاپن* به شکلی ثابت و پایدار و آهسته‌آهسته قدم برنمی‌دارد، بلکه *نعره‌زنان* در حال تاختن است. چون فرصت پیمودن گام‌به‌گام و پله‌به‌پله مراحل *تجدد* فراهم نیست، گویی بزرگ‌ترین سوزن ممکن را به دست گرفته‌ایم و به جای *دوختن*، *کوک‌های درشت* و *پراکنده می‌زنیم*» (سوسه کی ۸۶).

ناتسومه سوسه کی اعتقاد دارد که *شتاب‌زده* و *عجولانه* بودن فرایند مدرنیته در ژاپن فرصت فکر کردن را از مردم ژاپن گرفته است. بشر برای تغییرات بزرگ نیاز به زمان دارد تا بتواند تغییرات را در ذهن خود هضم کند و خود را با شرایط جدید وفق دهد. اما جامعه ژاپن با چنان شتابی در مسیر غربی شدن قرار گرفته است که همه‌ی تغییرات را مثل ناظری منفعل از سر می‌گذراند و مانند انسان بی‌دفاعی است که بدون سرپناه در مقابل امواجی سترگ و سهمگین قرار گرفته است.

ناتسومه دلیل مقهور شدن مردم ژاپن در مقابل فرهنگ غرب و اتخاذ موضع انفعالی در مقابل آن را قدرت بالای غرب در حوزه‌ی سیاسی، نظامی و فرهنگی می‌داند: «شوربختانه وضعیت امروز ژاپن به‌گونه‌ای است که چاره‌ای جز داشتن رابطه نیست و کسی که با قوی‌تر از خود رابطه داشته باشد، مجبور خواهد بود عادات خود را دور بیندازد و از عادات طرف مقابل پیروی کند» (سوسه‌کی ۱۰۱).

ناتسومه اندوهگین است که این رابطه با موجودی قوی‌تر موجب شده تا ژاپنی‌ها گاه با دیدهی تحقیر به فرهنگ خود نگاه کنند و فرهنگ غربی را برتر از فرهنگ خود بدانند. در روزگار ناتسومه این خودتحقیری به حدی رسیده بود که مردم در عادات روزمره خود مانند غذا خوردن نیز می‌کوشیدند که از غربی‌ها تقلید کنند و به‌جای غذا خوردن با چوبک‌های غذاخوری، مانند فرنگی‌ها کارد و چنگال در دست بگیرند: «اینکه ما مثلاً می‌گوییم طرف مقابل نمی‌تواند چنگال در دست بگیرد یا غذا خوردن با کارد را نمی‌داند، و چنین کسی را دست می‌اندازیم در حقیقت هیچ دلیلی ندارد جز این که غربی‌ها از ما قوی‌تر هستند. اگر ما قوی‌تر بودیم از این تقلیدها خبری نبود و جای غالب و مغلوب به راحتی عوض می‌شد. اما چون این‌طور نیست، ما از طرف مقابل تقلید می‌کنیم.» (سوسه‌کی ۱۰۱).

ناتسومه سوسه‌کی در این اثر، ژاپن را به نوزادی تشبیه می‌کند که به پشت مادر (غرب) بسته شده است و بدون آنکه اختیاری از خود داشته باشد با قدم‌های مادر به این سو و آن سو می‌رود. با این روند، ناتسومه آینده‌ی خوبی برای ژاپن پیش‌بینی نمی‌کند و به نظر او استحاله‌ی فرهنگی ژاپن در مقابل فرهنگ غرب از همان زمان آغاز شده است. او در این اثر به‌طور دقیق و جزئی به پیامدهای این استحاله اشاره نمی‌کند و عواقب آن را به تصویر نمی‌کشد و صرفاً به‌صورت کلی به بروز مشکلات اجتماعی و روانی برای مردم ژاپن اشاره می‌کند.

از نظر او این تجددِ سطحی، ظاهری و شتاب‌زده به فروپاشی روانی جامعه ژاپن خواهد انجامید. ناتسومه علی‌رغم این هشدار راهکار عملی مؤثری برای پیشگیری از این فروپاشی روانی ارائه نمی‌کند و صرفاً توصیه می‌کند که جامعه ژاپن از حجم و سرعت تأثیرپذیری از غرب بکاهد تا کمتر دچار عواقب این تجدد عاریتی شود: «تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که باید سرعت پیشرفت را در حد معقولی نگاه داشت تا دچار فروپاشی روانی نگردیم و تغییراتمان تا جای ممکن درون‌انگیزخته باشد» (سوسه‌کی ۱۱۰).

۲. نگاه ناتسومه به مدرنیته در کوکورو

داستان کوکورو نوشته‌ی ناتسومه سوسه‌کی جامعه‌ی ژاپن را در گذر از سنت به مدرنیته نشان می‌دهد. راوی داستان شخصیت سنسی (به معنی استاد) را در یکی از تعطیلات تابستانی دوران جوانی خود به‌طور اتفاقی ملاقات می‌کند و این آشنایی تا ابد زندگی او را دستخوش تغییر می‌کند. در این

دیدار اتفاقی، رفته‌رفته رابطه‌ای دوستانه و صمیمی میان این دو شکل می‌گیرد و کار بدانجا می‌رسد که سنسی تودار و منزوی، راوی را در جریان مهم‌ترین مسائل زندگی شخصی خود قرار می‌دهد؛ از جهان‌بینی منفی‌اش به دنیا و آدم‌های آن تا وقایعی که در زندگی سبب به وجود آمدن چنین نگاهی در او شده بودند.

این نگاه منفی و اثرات مخرب در زندگی و ذهن سنسی تا بدانجا بغرنج می‌شود که وی تصمیم به خودکشی می‌گیرد اما پیش از آن، وصیت‌نامه خود را با ذکر خصوصی‌ترین موارد، تنها و تنها به دست راوی داستان می‌رساند، و حتی به راوی اجازه بازگو کردن آن‌ها را به همسر خویش نمی‌دهد. صحبت‌های سنسی در طول داستان حاکی از آن است که او قربانی تلخ تقابل اصول و ارزش‌های پیشین با ارزش‌های دوران مدرن شده و دیگر تاب زندگی و تناقض‌های آن را نیاورده است.

کوکورو را می‌توان مهم‌ترین اثر داستانی ناتسومه سوسه‌کی در زمینه تقابل مدرنیته و سنت در ژاپن به حساب آورد. ناتسومه در رمان کوکور می‌کوشد نقائص مدرنیته را که با ارزش‌های جامعه ژاپنی سازگاری ندارند نشان دهد. ناتسومه در این رمان برای نشان دادن عمق شکاف بین مدرنیته و سنت، به مفاهیمی نظیر نظام ازدواج، نظام آموزشی، مادی‌گرایی، ازخودبیگانگی (الیناسیون)^۱، فردگرایی، خودخواهی، ناامیدی، انزوا و احساس گناه می‌پردازد و تقابل نگاه جامعه سنتی ژاپنی به این مفاهیم را با نگاه مدرن غربی نشان می‌دهد. در ادامه، پیامدهای مدرن شدن جامعه را در رمان کوکور در نه بخش مختلف دسته‌بندی و معرفی می‌کنیم.

۲-۱- نظام ازدواج

خواننده در آغاز رمان با کشمکش بین نظام ازدواج سنتی ژاپنی و ازدواج مدرن به سبک غربی روبه‌رو می‌شود. تا پیش از دوران می‌جی رسم بر آن بود که فرزندان پیشنهاد ازدواج از جانب خانواده را رد نمی‌کردند، اما جوانان متجدد که با فرهنگ غربی آشنا شده بودند بر روی نقش انتخاب فردی در ازدواج تأکید می‌کردند. در داستان کوکور، دوست راوی با تلگرامی که حکایت از بیماری مادرش دارد، مجبور می‌شود از تعطیلات تابستانی به خانه برگردد. اما دوستانش این خبر را باور ندارند. چون پدر و مادرش همیشه سعی می‌کنند او را برخلاف میل خودش مجاب کنند با دختر خاصی ازدواج کند: «مدتها بود که والدینش به او فشار می‌آوردند تا تن به ازدواج با دختری بدهد که آنجا برایش نشان کرده بودند، اما دوستم علاقه‌ای به او نداشت. در واقع، مخصوصاً با معیارهای امروزی ما، هنوز به سن

^۱ alienation

ازدواج نرسیده بود» (سوسه کی ۱۵). در رمان کوکورو به وضوح به کم بودن سن راوی برای ازدواج اشاره می‌شود و دیدگاه سنتی به ازدواج به چالش کشیده می‌شود. وقتی پیشنهاد ازدواج با دخترعمو به راوی می‌شود، شاهد واکنش منفی او هستیم: «عمویم بار دیگر بی‌مقدمه موضوع ازدواج را پیش کشید. دلایلی هم که می‌آورد همان‌ها بود که سال قبل گفته بود. با این تفاوت که این بار کسی را هم برایم در نظر گرفته بود و همین هم معذبم کرد. شخصی که برایم در نظر گرفته بود، دخترعمویم بود، یعنی دختر خودش» (سوسه کی ۱۳۵). راوی داستان در جایی دیگر درباره‌ی ازدواج خود با دخترعمویش چنین می‌گوید: «شاید خودخواهانه این واقعیت را تعمیم می‌دهم، اما به‌واقع معتقدم برای اینکه عشقی پا بگیرد به هیجانی نیاز است و بین زن و مردی که همیشه با هم در ارتباطند و زیادی به هم نزدیک شده‌اند، آن هیجان لازم برای تهییج عشق اتفاق نمی‌افتد» (سوسه کی ۱۳۶). این اظهار نظر به خوبی بیانگر نگاه نسل تربیت شده در جامعه مدرن به مقوله ازدواج است که با نگاه سنتی تفاوت دارد.

۲-۲- نظام آموزشی

یکی از موارد حائز اهمیت در روند اصلاحات دوران می‌جی ایجاد نظام جدید آموزشی بود که در جهت تقویت ژاپن و پرورش افراد مفید برای ملت طراحی شده بود (کیتا ۹۰). در دوره‌ی می‌جی، نظام تربیتی سنتی ژاپنی که مبتنی بر جهان‌بینی نئوکنفوسیوسی بود برجسته شد و نظام آموزش و پرورش برگرفته از غرب جایگزین آن شد. نتیجه‌ی این جایگزینی ناگهانی ایجاد شکاف بین دو نسلی بود که با شیوه‌های قدیم و جدید تحصیل کرده بودند. نسل جدید تحصیلات نسل‌های پیشین را کهنه و ناکارآمد می‌دانست و نسل قدیم تحصیلات نسل‌های جدید را بی‌ارزش و توخالی می‌پنداشت: «می‌بینم که تحصیلات عالی‌ه از شما نظریه‌پرداز ماهر ساخته... البته نظریه‌های توخالی» (سوسه کی ۴۵). نسل قدیم همچنین به تحصیلات نسل جدید بدبین است و آن را مایه‌ی شکاف بین والدین و فرزندان می‌داند: «فرستادن بچه‌ها برای تحصیل خوب است، اما یک بدی دارد: اینکه بچه‌ها بعد از اتمام تحصیلاتشان به خانه بر نمی‌گردند. می‌شود گفت انگار درس و دانشگاه وسیله‌ای شده تا بین والدین و بچه‌ها جدایی بیفتد» (سوسه کی ۹۹).

از تمایزهای اصلی میان نظام آموزشی مدرن و نظام آموزشی پیشین نحوه‌ی برخورد این دو با معیارهای انتخاب شغل است. به بیان دقیق‌تر، نظام آموزشی مدرن دانشجویان را مجبور به انتخاب شغلی با حقوق بالاتر می‌کند. پدر راوی قصد بر برپایی جشن بسیار باشکوهی را برای فرزند تازه فارغ‌التحصیل شده خویش دارد. با این حال، تقابل سنت و تجدد در نگاه به تحصیل بین دو نسل

آنچنان پررنگ است که راوی این جشن را نمی‌پذیرد. سنسی نیز که در نظام قدیم آموزشی تحصیل کرده است برای نظام آموزشی فعلی ارزشی قائل نیست و آن را غیرمفید می‌داند.

۲-۳- مادی‌گرایی

در دوره‌ی می‌جی کارگران به بخشی تعیین‌کننده‌ای از اقتصاد و صنعت ژاپن تبدیل شدند. با تولید و توزیع محصولات جدید، پدیده ماتریالیسم به سرعت در ژاپن رشد کرد. در واقع، هم حاکمیت و هم مردم ژاپن شروع به رقابتی بی‌پایان در جهت رسیدن و همتراز شدن با کشورهای پیشرفته‌تر کردند که نتیجه‌ی آن سوق دادن مردم به سوی مادی‌گرایی بود. این مادی‌گرایی توسط سوسه‌کی در رمان کوکورو با توصیف سبک زندگی جدید ژاپنی‌ها و خلق و خوی انسان مدرن به خوبی به تصویر کشیده شده است (کیتا ۹۳).

از دید بسیاری از مردم هم‌روزگار ناتسومه، مدرنیته و تجدد خلق و خوی مردم را تغییر می‌دهد. کسانی که در دوره‌ی می‌جی زندگی می‌کردند و دوران قبل و بعد از اصلاحات را به چشم دیده‌اند تغییر الگوهای رفتاری مردم متجددمآب را احساس کرده‌اند. یکی از این تغییرات گرایش به مادی‌گرایی و توجه بیش از اندازه به مسائل مالی و کمرنگ شدن اعتماد بین آدم‌ها است. شخصیت سنسی در داستان کوکورو عمویی دارد که خلق و خوی مدرن و سرمایه‌داری پیدا کرده است. او از اعتماد سنسی سوءاستفاده می‌کند و اموالش را در اختیار می‌گیرد: «پای پول که به میان بیاید، هر آدمی در یک چشم به هم‌زدن عوض می‌شود.» (سوسه‌کی ۷۱). یا در جایی دیگر، توجه به پول را باعث زشت و غیرقابل‌اعتماد شدن دنیا می‌داند: «نمونه‌ای از همه‌ی آدم‌های معمولی که با دیدن پول ناگهان به شیطان بدل می‌شوند؛ مظهر همه‌ی آن چیزها که جهان را به چیزی غیرقابل‌اعتماد و زشت تبدیل کرده است» (سوسه‌کی ۱۳۹).

۲-۴- از خودبیگانگی اجتماعی

یکی دیگر از پیامدهای تجدد شتاب‌زده در ژاپن از خودبیگانگی اجتماعی (الیناسیون) مردم جامعه است. گسل (۲۰۰۴) از خودبیگانگی اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «از خودبیگانگی به معنای انزوا و جدایی عاطفی از دیگران است و به دلیل ناتوانی در پیروی از جامعه یا مشارکت در ارزش‌ها نشان داده می‌شود». راوی داستان متعلق به دوران مدرن است، در حالی که سنسی به دوران گذشته تعلق دارد؛ دورانی که اعتماد و روابط اجتماعی قوی در آن بسیار پررنگ بود. از این رو، نشانه‌های از خودبیگانگی اجتماعی را می‌توان به وضوح در شخصیت سنسی مشاهده کرد. او در مواجهه با جامعه‌ی مدرن دچار انزوا و انفعال و گسست از جامعه شده است، در حالی که پیش‌تر این خصوصیات را نداشت.

همسر سنسی که متوجه این تغییر خلق و خوی او شده است در پاسخ سوال راوی می‌گوید که از او پیگیر دلیل انزوایش شده، اما جواب مشخصی نگرفته است: «نمی‌دانید تا حالا چند بار التماسش کرده‌ام که به من بگوید... فقط می‌گوید چیزی برای گفتن ندارم و جای نگرانی هم نیست. می‌گوید طبعم همین است. بیش از این راه نیامد.» (سوسه‌کی ۴۸). این انزوا و ازخودبیگانگی اجتماعی شخصیت سنسی در بخش‌های دیگر کتاب چنین توصیف می‌شود: «به نظر این اواخر اصلاً دلش نمی‌خواست چشمش به قیافه‌ی کسی بیفتد» (سوسه‌کی ۴۵). «در واقع گفته بود از بیرون رفتن نفرت دارد» (سوسه‌کی ۲۲). «یعنی به این دریافت رسیده که رفتن میان جمع و کارکردن را پست می‌شمارد...» (سوسه‌کی ۳۵). و یا از زبان خود این شخصیت می‌گوید: «به هر حال شخصیت کنار آمدن با جامعه را ندارم، پس چاره‌ای نیست» (سوسه‌کی ۳۴).

می‌توان نتیجه گرفت که سنسی آزادی، استقلال و همچنین انزوا و تنهایی ناشی از آن را از اجزای مهم مدرنیزاسیون دوره می‌جی می‌داند. این ویژگی‌های نوظهور دوران می‌جی در زمره‌ی ویژگی‌هایی بودند که نظام فئودالی پیشین را از عصر می‌جی به خوبی متمایز کردند. در رمان کوکورو می‌بینیم که سنسی از تجربه دوران جوانی خود به این باور رسیده بود که آزادی و استقلال ناگزیر با خودخواهی و ازخودبیگانگی همراه است. سنسی را می‌توان قربانی آمیختگی تاسف‌بار اندیشه‌های مدرن و سنتی دانست. او نمی‌فهمید که انزوا و تنهایی‌اش دقیقاً چگونه پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند و تنها می‌دانست که آن‌ها هم‌زمان با مفاهیمی مدرن همچون آزادی و استقلال به وجود آمده‌اند. (فوکوچی ۴۷۳).

۲-۵- احساس گناه

سنسی که به نسل قبل تعلق دارد در ماجرای غم‌انگیز خودکشی دوستش «کاف» احساس گناه می‌کند و تنهایی و بدبختی خود را تاوان این گناه می‌داند. مسئولیت‌پذیری و احساس شرم و گناه از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ سنتی ژاپنی به شمار می‌رود و شخصیت سنسی نیز وارث این فرهنگ سنتی است. اما نسل جدید که مدرن شده است با این احساس گناه چندان آشنا نیست و ارتباطی با آن برقرار نمی‌کند. این موضوع تا بدان حد در زندگانی مادی و زمینی ریشه می‌دواند که در طول رمان کوکورو مثال‌هایی مبنی بر اجتناب سنسی از فعالیت‌های مادی دیده می‌شود چرا که صدایی از منبعی ناشناس به او می‌گوید که حق انجام کاری را ندارد و می‌بایست بی‌حرکت و منفعل بر سر جای خویش بماند. سنسی احساس گناه خود را مانند رازی سربه‌مهر در دلش نگه داشته است و آن را حتی به همسرش نیز بازگو نمی‌کند: «همسر سنسی هم اصلاً نمی‌دانست که این مصیبت چقدر سنسی را رنج می‌داد. هنوز هم نمی‌داند. سنسی از دنیا رفت، بی‌آنکه این راز را با همسرش در میان بگذارد. نخواست خوشبختی همسرش را تباه کند، پس دست به تباه کردن خود زد» (سوسه‌کی ۳۶).

سنسی با احساس گناهی سنگین دست به گریبان است و تا پایان عمر پیوسته خود را سرزنش می‌کند: «احساسی چونان گرداب در دلم می‌پیچید. وقتی فکرش را کردم که چه احساس تحقیری به کاف دست داده، از خجالت سرخ شدم. می‌خواستم همان موقع بروم پیش کاف و بابت کاری که کرده بودم معذرت بخواهم، اما غرورم... در واقع ترسم از تحقیر... مانع شد (سوسه کی ۲۱۵). احساس گناه سنسی آن چنان شدید است که او مدتی به مطالعه و کتاب‌خوانی پناه می‌برد تا شر آن خلاص شود، اما این ترفند کارگر نیست: «دلم همچنان قرار نمی‌گرفت. گفتم خودم را در کتاب‌ها غرق کنم، بلکه آرام بگیرم. دیوانه‌وار کتاب می‌خواندم، باشد که روزی نتایج جد و جهدم را به عموم ارائه کنم. اما نتوانستم خود را با تقلا برای هدفی تصنعی تسلا دهم.» (سوسه کی ۲۲۳).

۲-۶- زن مدرن در مقابل زن سنتی

جامعه‌ی ژاپن در عصر می‌جی با سرعت بسیار بالایی در حال تغییر بود و تغییر و تحول زنان بخش بسیار مهمی از این تحولات را به خود اختصاص داده بود. سبک زندگی مردم، به‌خصوص زنان دچار تغییرات شگرفی شده بود؛ به حدی که پیش و پس از دوره می‌جی از این حیث قابل مقایسه نیست و نگاه به زنان به‌عنوان همسران و دختران در دوران پیش از مدرنیزاسیون می‌جی بسیار متفاوت با پس از آن بود. جامعه‌ی ژاپن که قریب به هشت قرن حکومت سربازان سامورای را به خود دیده بود به جامعه‌ای مردسالار تبدیل شده بود که منزلت زن در آن به‌شدت تنزل یافته بود. در دوره‌ی می‌جی زنان وارد جامعه شدند و اجازه تحصیل یافتند.

همسر سنسی برای نمونه یک زن تیپیکال سنتی ژاپنی است. راوی در توصیف او می‌گوید: «برخورد همسرش آمیزه‌ای از اشتیاق و اطاعت بود» (سوسه کی ۳۰). یا در جایی دیگر او را با زنان متجدد چنین مقایسه می‌کند: «او از این زنان متجدد نبود که بخواهد با به‌کرسی‌نشاندن حرفش غرورش را ارضا کند و خوش بگذرانند. به نظر می‌رسید ارزش زیادی برای چیزی قائل است که در کنه دلش نهفته بود» (سوسه کی ۴۵). نگاهی که سنسی به زنان دارد نگاهی کاملاً سنتی است: «فکرش را که بکنی، می‌بینی زنان چه موجودات ترحم‌انگیزی‌اند. مثلاً همسرم، بیچاره از من هم بی‌کس‌وکارت‌تر است. آخر غیر از من در این دنیا چه کسی را دارد» (سوسه کی ۳۲). با این حال، حتی سنسی نیز نمی‌تواند آن نگاه سنتی به زن را به دختران نسل جوان تعمیم دهد: «زن هم که خب، به هر حال ناقص‌العقل است. با وجود این، نمی‌توانستم این احساس تحقیرآمیزم در مورد زنان را به دختر نیز تعمیم بدهم. به دختر که می‌رسید، سلاحم کارایی‌اش را از دست می‌داد» (سوسه کی ۱۵۱).

۲-۷- شکاف و عدم تفاهم بین نسل‌ها

شکاف بین‌نسلی را شاید بتوان یکی از مهمترین ویژگی‌های عصر مدرن دانست. منظور از شکاف بین‌نسلی عدم تطبیق مفاهیم سنتی گذشته با موازین جدید عصر مدرن است که از فهم متقابل اعضای نسل قدیم و نسل جدید جلوگیری می‌کند. تغییرات آداب و رسوم مربوط به ازدواج، نظام آموزشی، تغییر نوع نگاه به پول و ارزش کار و ماشینی شدن جامعه از جمله مهم‌ترین عناصری هستند که باعث ایجاد شکاف فکری و عقیدتی بین دو نسل پیش و پس از اصلاحات می‌جی شدند. سوءتفاهم و ارتباط نادرست مداوم میان راوی و سنسی در طول رمان کوکورو حاکی از آن است که افراد نسل‌های مختلف چه مقدار از یکدیگر دور هستند. راوی متعلق به دنیای مدرن است در حالی که سنسی در تسخیر همیشگی خاطرات گذشته به سر می‌برد. بنابراین، راوی از درک گذشته ناتوان است و قادر به درک رفتارهای عجیب سنسی نیست. از این روست که سنسی می‌گوید: «من و تو از نسل‌های متفاوتی هستیم و ناگزیر طرز فکر متفاوتی داریم. کاری هم برای پل زدن روی این دره از دستان بر نمی‌آید. شاید دقیق‌تر آن باشد که بگوییم تفاوت بین ما چیزی نیست به جز تفاوت ذاتی به هنگام تولد» (سوسه‌کی ۲۳۰). سنسی وقتی وصیت‌نامه‌ی خود را برای راوی می‌نویسد ادعا می‌کند که او هرگز به درستی دلیل خودکشی‌اش را نخواهد فهمید، زیرا آنها به دو نسل متفاوت تعلق دارند. راوی همچنین به والدین خود اشاره می‌کند و اعتراف می‌کند که هرگز با آنها فهم متقابل نداشته است: «بین من و والدینم دره‌ی عمیقی فاصله بود. بنابراین، به جای آنکه افکار و احساساتم را برایشان شرح دهم، بهتر بود جلوی آنها سکوت اختیار کنم» (سوسه‌کی ۹۸). یا در جایی دیگر این شکاف نسلی بین خود و والدینش را این‌طور توصیف می‌کند: «علاوه بر این، هر بار که به شهرستان برمی‌گشتم، چیزهای بیشتری از حال‌وهوای توکیو با خود می‌آوردم که پدر و مادرم نه دوست نداشتند و نه درک می‌کردند؛ به قول قدیمی‌ها، انگار بو و رنگ مسیحیت را به خانه‌ی کنفوسیوسی‌ها برده باشی» (سوسه‌کی ۵۹).

۲-۸- بی‌اعتمادی، ناامیدی و بدبینی

از دیرباز اعتماد و صداقت برای مردم سنتی ژاپن حائز اهمیت فراوان بوده است و برخی از رفتارها که در دنیای مدرن با منافع فردی توجیه می‌شدند در بافت فرهنگ سنتی ژاپن خیانت تلقی می‌شدند. در رمان کوکورو والدین سنسی به‌عنوان ژاپنی‌های سنتی کورکورانه به برادرشان که تاجر و ساکن شهر است اعتماد دارند. پس از مرگ والدین سنسی، عموی وی سرپرستی او را بر عهده می‌گیرد و خانواده عموی سنسی به خانه او نقل مکان می‌کنند. او هر ماه در طول تحصیل در توکیو از عمویش کمک

هزینه می‌گیرد و با معصومیتی کودکانه به عمویش اعتمادی کامل دارد و وی را تحسین می‌کند؛ تا بدانجا که خود را مدیون وی می‌پندارد.

اما در داستان می‌بینیم که ماهیت عمو کاملاً برعکس این تصور است؛ او خانه‌ی سنسی را برای منافع تجاری خویش به ناحق اشغال می‌کند. به مدت سه سال، در غیاب سنسی، دارایی‌های او را برای بهبود تجارت خود به کار می‌گیرد. سنسی برای راوی داستان این‌طور درد دل می‌کند: «از وقتی عمویم سرم را کلاه گذاشت، به شدت به همگان بی‌اعتماد شدم. در واقع کور خود و بینای دیگران شده بودم» (سوسه کی ۲۲۳). یا در جایی دیگر، خطاب به راوی داستان می‌گوید: «من حتی به خودم هم اعتماد ندارم. وقتی به خودم اعتماد ندارم، چطور می‌خواهی به دیگران اعتماد کنم؟ کاری که از دستم ساخته نیست جز نفرین خودم» (سوسه کی ۴۱).

ناتسومه ناامیدی و بدبینی را نیز از نتایج عصر مدرن می‌داند و مهمترین شهادی که برای این موضوع در رمان کوکورو می‌بینیم مربوط به دل‌سرد شدن سنسی، بی‌اعتمادی و نهایتاً ناامیدی وی از انسان عصر مدرن است. این مسئله را به‌وضوح در قالب خیانت عموی راوی به او می‌بینیم. آن زمان که همه‌چیز برای سنسی روشن می‌شود کار از کار گذشته است و او توانایی بازبایی دارایی‌های خویش را ندارد. عمق این بدبینی آنجا پدیدار می‌گردد که سنسی حتی خود را نفرین می‌کند که چرا به عمویش این میزان اعتماد کرده است. «قبل از اینکه زادگاهم را ترک کنم، آدم بدبینی شده بودم. ظاهراً این فکر که نمی‌شود به دیگران اعتماد کرد تا مغز استخوانم ریشه دوانده بود» (سوسه کی ۱۴۶). راوی داستان روحیه‌ی بدبین سنسی را نه حاصل مسائل شخصی، بلکه حاصل ارتباط برقرار نکردن او با جامعه مدرن شده می‌داند: «منطقی نبود که دیدگاه بدبینانه‌ی سنسی را پیامد آن ماجرای عشقی بدانم. بر همین اساس، دیدگاه‌های مردم‌گريزانه‌ای را که سنسی با من در میان گذاشته بود، بیشتر باید برای تبیین نگاه او به دنیای مدرن در نظر می‌گرفتم» (سوسه کی ۴۳).

۲-۹- فردگرایی و خودبینی

فردگرایی یکی از ره‌آوردهای مدرنیسم است و این فردگرایی گاه تا مرز خودخواهی پیش می‌رود. فردگرایی و خودخواهی دو دغدغه‌ی پررنگ در جهان ذهنی ناتسومه سوسه کی است که در بسیاری از آثار خود به آنها پرداخته است (هیروسه ۱۹۹۸؛ اوکادا ۱۹۹۹). اعضای جامعه مدرن از مزایای فردگرایی برخوردارند. با این حال، جامعه‌ی سنتی ژاپن از ارزش‌های قوی روابط جمعی حمایت می‌کند. ناتسومه در «مقدمه‌ای بر نظریه‌ی ادبیات» و در یک سخنرانی با عنوان «فردگرایی من» (۱۹۱۴) بر اهمیت فردگرایی که در طول اقامت خود در غرب مشاهده کرده بود؛ تأکید می‌کند.

سخنرانی‌های سوسه‌کی همانند «تجدد ژاپن امروز» و «فردگرایی من» که پیش از نگارش *کوکورو* انجام شده‌اند، حاکی از آن است که وی تلاشی جهت فرار از مدرنیته انجام نمی‌داده است. او در این سخنرانی‌ها بر اهمیت فردیت و استقلال، چه در سطح فردی و چه در سطح ملی تأکید می‌کرد. وی نه از بازگشت به اخلاقیات قدیمی بلکه از حفظ فردگرایی و استقلال دفاع می‌کرد، اما با این شرط که دستیابی به این هدف نباید منجر به خودخواهی گردد (فوکوچی ۴۸۰). در *رمان کوکورو* سوسی از آنجا که به دلیل بی‌اعتمادی و توطئه‌ای که پیش‌تر ذکر گردید، نمی‌تواند به راحتی روابط اجتماعی خود را با دیگران ادامه دهد و به فردگرایی سوق داده می‌شود. با این حال، او از تنهایی تحمیلی خویش رضایت ندارد و این موضوع وی را بسیار آزار می‌دهد، تا جایی که با صدای بلند اعلام می‌دارد «تنهایی بهایی است که می‌بایست برای تولد در عصر مدرن بپردازیم» (سوسه‌کی ۴۱).

۳- نتیجه‌گیری

بررسی دو اثر ناتسومه سوسه‌کی یعنی رساله‌ی *تجدد ژاپن امروز* و *رمان کوکورو* نشان داد که این نویسنده در مجموع به فرایند مدرنیزاسیون در ژاپن نگاهی منفی و بدبینانه دارد. با اینکه در رساله‌ی *تجدد ژاپن امروز* نگاهی یک‌سره منفی به مدرنیزاسیون وجود دارد، در *رمان کوکورو* با برخی جنبه‌های مثبت آن نظیر آزادی‌های فردی بیشتر در مسائلی مثل ازدواج و برابری نسبی مرد و زن نیز روبرو می‌شویم. با این حال در هر دو اثر معایب و نقائص مدرنیزاسیون کاملاً مشهود هستند.

در فضایی که بیشتر مردم مدرن شدن را امری ناگزیر و تنها راه سعادت بشر می‌دانستند ناتسومه سوسه‌کی مدرنیزاسیون را ناکارآمد و کم‌فایده و حتی گاه زیان‌بخش می‌بیند و معتقد است که مدرنیزاسیون قادر نیست بشر را به سوی سعادت سوق دهد. به نظر او مدرنیزاسیون دردهای بشر را کاهش نداده و گاه حتی باعث دشواری بیشتر زندگی او شده است. نگاه او به مدرنیزاسیون در کشور ژاپن به مراتب منفی‌تر است زیرا او مدرنیزاسیون ژاپن را خلاف مدرنیزاسیون غربی، پدیده‌ای غیرطبیعی و وارداتی و تحمیلی می‌داند که هیچ قرابتی با فرهنگ ژاپنی ندارد. از دید او مردم ژاپن در مقابل امواج سهمگین مدرنیزاسیون غربی بی‌پناه و منفعل رها شده‌اند و این امواج فرهنگ و هویت آنها را با خود خواهد برد.

ناتسومه در *رمان کوکورو* آدم‌هایی را به تصویر می‌کشد که در بحبوحه‌ی تغییرات فرهنگی و اجتماعی اوایل قرن بیستم قرار دارند. دوره‌ی می‌جی چهره‌ی ژاپن را دگرگون ساخت و کشوری نو پدید آورد. با پایان دوره‌ی می‌جی و آغاز دوره‌ی تای شو (۱۹۲۶-۱۹۱۲) تغییرات اجتماعی و فرهنگی روند سریع‌تری یافت؛ به نحوی که ژاپن دوره‌ی می‌جی برای بسیاری از ژاپنی‌ها به نوستالژی تبدیل شد. داستان *کوکورو* در چنین دوره‌ای رخ می‌دهد. در این داستان می‌بینیم که قراردادهای آداب و رسوم

اجتماعی نظیر ازدواج یا نهادهای اجتماعی نظیر آموزش و پرورش تغییر یافته‌اند و این تغییرات، چه مثبت و چه منفی، موجب اختلاف بین اعضای نسل قدیم و نسل جدید شده است.

در رساله‌ی *تجدد ژاپن/امروز* ناتسومه درباره‌ی عواقب مدرنیزاسیون وارداتی شتابان هشدار می‌دهد و از فشار روانی و فروپاشی عصبی اعضای جامعه می‌گوید. در *رمان کوکورو* نمونه‌های عینی این فشار روانی و فروپاشی عصبی را می‌بینیم. از خودبیگانگی اجتماعی، بدبینی، انزوا، بی‌اعتمادی، ناامیدی و احساس گناه که همه به‌نوعی ریشه در تغییرات ناگهانی و عمیق اجتماعی دارد در نهایت شخصیت سنسی را به سوی خودکشی سوق می‌دهد. وضعیت روانی سنسی همان وضعیتی است که ناتسومه دو سال پیش از نگارش *رمان کوکورو* در رساله‌ی *تجدد ژاپن/امروز* درباره‌ی آن هشدار داده بود.

با وجود آگاهی بالای ناتسومه سوسه‌کی از عواقب مدرنیزاسیون و نگرانی‌های وی، به نظر می‌رسد خود او به‌عنوان روشنفکر در موضعی انفعالی قرار دارد و هیچ پیشنهاد و توصیه‌ای برای برون‌رفت از وضعیت موجود ارائه نمی‌دهد. در رساله‌ی *تجدد ژاپن/امروز* ناتسومه به صراحت می‌گوید که راجع به وضعیت جامعه ژاپن صرفاً احساس نگرانی می‌کند و هیچ طرح یا پیشنهادی برای اصلاح آن به ذهنش خطور نمی‌کند. در *رمان کوکورو* نیز می‌بینیم که دو شخصیت کاف و سنسی هیچ راهی برای نجات خویش نمی‌یابند و در نهایت، در ناامیدی کامل دست به خودکشی می‌زنند. از نظر ناتسومه امواج فرهنگ غربی آن‌چنان سهمگین و قدرتمند هستند که جامعه‌ی ژاپن توان رویارویی با آن را ندارد و در نهایت فرهنگ ضعیف‌تر مجبور به تقلید از فرهنگ قوی‌تر خواهد شد.

با جود همه‌ی نگرانی‌های روشن‌فکرانی نظیر ناتسومه سوسه‌کی در اوایل قرن بیستم، امروز ژاپن را در قیاس با بسیاری از کشورهای دنیا به‌عنوان کشوری می‌شناسند که توانسته در کنار پیشرفت در زمینه‌های علم و فناوری، فرهنگ سنتی خود را نیز تا حد زیادی حفظ کند و معمولاً ژاپنی‌ها را به‌عنوان ملتی مثال می‌زنند که بین هویت ملی و توسعه توازن قابل قبولی ایجاد کرده‌اند. از یک سو شاید بتوان نتیجه گرفت که بخشی از نگرانی‌های روشنفکرانی نظیر ناتسومه سوسه‌کی درباره‌ی آینده‌ی ژاپن بی‌مورد بوده و فرهنگ ژاپنی موفق شده است از میان امواج سهمگین مدرنیزاسیون سالم بیرون بیاید. اما از سوی دیگر شاید بتوان نقش روشنفکرانی نظیر ناتسومه سوسه‌کی را در این میان بسیار مهم و تأثیرگذار دید. شاید اگر روشنفکرانی مثل سوسه‌کی در اوایل قرن بیستم درباره‌ی پدیده‌ی غربی شدن و پیامدهای آن به جامعه آگاهی نمی‌دادند و در آثار داستانی و غیرداستانی خود در این زمینه هشدار نمی‌دادند، فرهنگ و هویت ملی ژاپنی حفظ نمی‌شد و به شکل فعلی تا امروز باقی نمی‌ماند.

References

- Alavi, Farideh and Hosseini, Seyyed Ehsan. "Chalesh-e ghahreman-e enzevatalab dar moghabeleh ba zendegi-ye modern: tahlil-e gofteman va revayat dar roman-e nefrin-e zamin asar-e jalal-e al-e ahmad va soorat-jalase asar-e Le Clézio" ["The Challenges of an Isolationist Hero in Confrontation with Modern Life: Discourse Analysis and Narrative in the Novels *The Curse of Earth* by Jalal-e Al-e Ahmad and *Le Procès-verbal* by Le Clézio"]. *Research in Contemporary World Literature* [Pazhuhesh-e Adabiyat-e Jahan], vol. 24, no. 2 (2020): 523-542.
- Ameli Rezaei, Maryam. "Tahlil-e taghabol-e sonnat va modernite dar romman-e ejtemaei pas az enghelab-e eslami" ["The Analysis of the Confrontation between Tradition and Modernity in the Post-Islamic Revolution Social Novels"]. *Academic Quarterly of Research in Persian Language and Literature* [Faslname-ye Elmi-pazhooeshi-ye Pazhooesh-e Zaban va Adabiyat-e Farsi], no. 25 (2012): 133-161.
- Fazeli, Mahbood and Hosseini, Fatemeh Sadat. "Sonnat va modernite dar roman-e hamsaye-ha" ["Tradition and Modernity in the Novel *The Neighbors*"]. *Academic Quarterly of Research in Persian Language and Literature* [Faslname-ye Elmi-pazhooeshi-ye Pazhooesh-e Zaban va Adabiyat-e Farsi], no. 27 (2012): 131-145.
- Fukuchi, Isamu. "Kokoro and the Spirit of Meiji." *Monumenta Nipponica*, vol. 48, no. 4, (1993), pp. 469-488.
- Fülöp, Márta. "Culture Shock and the Birth of the Modern Japanese Novel: Natsume Soseki." *Exploring Transculturalism* (2010): 63-81.
- Gessel, Van C. "Probing the Modern Heart: Natsume Soseki's Kokoro." *Literature & Belief*, vol. 24, no. 1, (2004): 81-100.
- Ghasemzadeh, Reza, et al. "Chalesh-e sonnat va modernite da romman-e ahl-e ghargh-e moniroo ravanipour" ["The Challenges of Tradition and

- Modernity in the Novel *Drowned People* by Moniroo Ravanipour"]. *Persian Language and Literature* [Zaban va Adab-e Farsi], no. 235 (2017): 181-203.
- Giddens, Anthony. *Tajaddod va Tashakkhos* [Modernity and Self-Identity]. Translated by Naser Movaffaghian, Tehran, Ney, 2008.
- Hirose, Yusaku. "Superego in *Kokoro* and *Sensei and Suicide Note*: Sensei and the Death Drive" (1998): 54-83.
- Jannesari Ladani, Zahra. "Chalesha-ye sonnat va modernite dar chand dastan-e kootah-e mo'aser-e irani" ["The Challenges of Tradition and Modernity in a Number of Iranian Contemporary Short Stories"]. *Research in Contemporary World Literature* [Pazhuhesh-e Adabiyat-e Jahan], vol. 17, no. 3 (2012): 141-156.
- Kitta, Naomi. *The Role of Intellectuals in The Process of Modernizing: The Case Studies of Natsume Soseki and Lu Xun in The Era of The Enlightenment*. Master's thesis, American University, 2000.
- Mohseni, Mohammadreza. "Chegoonegi-ye tabalvor-e jahan-e ma'navi va bazyabi-e hoviyyat dar shakhsiiyat-haye dastani-ye Le Clézio" ["The Quality of the Spiritual World and the Retrieval of Identity in Le Clézio's Stories Protagonists"]. *Research in Foreign Languages* [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji], no. 55 (2009): 131-146.
- Nakayama, Etsuko. "Natsume So-seki and Thomas Carlyle: Their Personal Values and Cultural Reactions to Their Rejection of a Doctorate." *Intercultural Communication Studies*, vol. IV, no. 2, (1994): 43-63.
- Natsume, Soseki. *Kokoro* [Kokoro]. Translated by Ghodratollah Zakeri, Tehran, Borj, 2023.
- Natsume, Soseki. *Tajaddod-e Japon-e Emruz* [Gendai Nihon-no Kaika]. Translated by Seyed Ayat Hosseini, Tehran, Parande, 2019.

- Okada, Sumie. "Natsume Soseki: Western Individualism and the Japanese Society." *Western Writers in Japan*. London: Palgrave Macmillan UK, 1999. 145-148.
- Ranjbar, Ebrahim. "Resalat-e roshanfekr va neza'-e sonnat va tajaddod dar romman-e nefrin-e zamin" ["The Mission of the Intellectual and the Battle of Tradition and Modernity in the Novel *The Curse of Earth*"]. *Persian Language and Literature* [Zaban va Adab-e Farsi], no. 226 (2012): 1-21.
- Sadeghi, Soodabeh and Zare, Meisam. "Barresi-ye vorood-e modernite da romman-e nefrin-e zamin va khooshe-haye khashm" ["Influx of Modernity in the Novel *The Curse of Earth* and *The Grapes of Wrath*"]. *Quarterly of Comparative Literature Studies* [Fasname-ye Motale'at-e Adabiyat-e Tatbighi], no. 41 (2017): 99-120.
- Tokunaga, Mitsuhiro. "Japanese Modernization as Described by Soseki Natsume." (2006): 5-15.
- Zaheri, Ebrahim, et al. "Gozar az sonnat be modernite dar khanevade-ye irani ba tekiye bar romman-e madaram bibi-jan" ["The Transition from Tradition to Modernity in the Iranian Family by Taking a Look at the Novel *Bibi-jan My Mother*"]. *Bulletin of Persian Contemporary Literature* [Pazhuheshname-ye Adabiyat-e Mo'aser-e Iran], no. 1 (2019): 17-35.